

ایران و اقوام آریایی استپ‌ها

(از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخ)

پدیدآورنده: امیر رضا



۱۳۹۷

سرسناسه	: رضا، امیر، ۱۳۱۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ایران و اقوام آریایی استپ‌ها : از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخ / پدیدآورنده امیر رضا.
شخصات نشر	: تهران : گستره، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۸ ص.
شابک	: 978-600-6069-00-5
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا	
موضوع	: ایران - تاریخ - پیش از ماد تا ۷۰۵ ق.م - آریاییان، ۲۰۰۰ - ۷۰۵ ق.م
موضوع	: Iran - History - Pre-Median to 705 B.C. - Aryans, 2000-705 B.C.
موضوع	: باستان‌شناسی و تاریخ - ایران
موضوع	: archaeology and history - Iran
موضوع	: ایران - تمدن - پیش از اسلام
موضوع	: To 633 - Civilization - Iran
موضوع	: ایران - تاریخ - پیش از ماد، تا ۷۰۵ ق.م
موضوع	: Iran History - Pre-Median to 705 B.C.
موضوع	: ایران - تاریخ - پیش از اسلام
موضوع	: Iran - History - To 633
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۷ الف ۶ ر / ۱۹۷ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۱۲۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۷۴۷۱۷



امیر رضا

ایران و اقوام آریایی استپ‌ها

(از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخ)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مریم مرادیان

طراحی جلد: امین اشکان

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

کلیه حقوق چاپ محفوظ و متعلق است به:

نشر گستره

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین،

خیابان وحید نظری، کوچه جاوید یک، شماره ۱

تلفن و نمابر: ۴۸-۴۴۴۷۵۴۴۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۰۶۹-۰۰-۵

پیشکش به گرامی‌ترین زنان زندگی‌ام: همسرم شیرین رضا،
یار و یاور همیشگی‌ام و دخترم آوید رضا.
با سپاس از دکتر پروین شهلایپور که با کوشش فراوان
مدارک تاریخی کاوش‌های باستانی مورد نیاز را برایم
فراهم نمودند. بدون کمک ایشان، چاپ این کتاب میسر
نمی‌شد.

سخنی کوتاه درباره نویسنده:

امیر رضا، تحصیلات خود را در ایران، ژنو و لندن در زمینه نقاشی و تاریخ هنر با مطالعه آثار
هنرشناسان غرب همراه ساخت.

مطالعه بررسی‌های گسترده و عمیق هنرشناسان غرب درباره تاریخ و هنر ایران
براساس حفاری‌های باستان‌شناسی، اسناد تاریخی و آثار هنری، او را متوجه کمبود این گونه
بررسی‌ها به زبان فارسی ساخت. حاصل همین انگیزه، کتاب حاضر، *ایران و اقوام آریایی*
استپ‌هاست که به‌منظور ارائه تاریخ موثق از چگونگی شکل‌گیری فرهنگ ساکنین فلات
ایران قبل از امپراطوری هخامنشی و فرهنگ اقوام مهاجر آریایی قبل از مهاجرت به ایران،
و براساس روش بررسی‌های غرب نوشته شده است.

آخرین کتاب امیر رضا تحت عنوان *شاهکارهای نقاشی و مفاهیم هنری آنها*، اخیراً به
زبان انگلیسی در آمریکا منتشر شده است.

جست و جویهای غرب به منظور دستیابی به فرهنگی متناسب با پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی، نیاز به شناخت ریشه‌های فعالیت‌های فرهنگی انسان را برانگیخت و باستان‌شناسان را راهی کاوش در مراکز فرهنگ شرق باستان ساخت.

مهاجرت اقوام آریایی به ایران، فرهنگ‌های آریایی و آسیای باستانی را به هم پیوند داد و با تشکیل امپراطوری هخامنشی، ایران را به پایگاه جهان‌بینی شرق در مقابل ایده‌آل‌های فرهنگ یونان برتری داد و آن را برای همیشه از مراکز مورد توجه و کنجکاو غرب ساخت. کاوش‌های باستان‌شناسان چهره‌ای از ایران را آشکار کرد که تا آن زمان در بحث‌ها از گذشته ایران جایی نداشت.

گرچه تسلط اقوام بیگانه چندین بار پیوستگی تاریخ ایران را خدشه‌دار کرد، ولی پایداری ویژگی‌های فرهنگ ایران، ترکیبی منقطع و مرتبط به تاریخ این مرز و بوم داد، به‌طوری که کلمه "ایرانی" مفهومی از یک جهان‌بینی خاص و فرهنگی ویژه را در ذهن ایجاد می‌کند.

گذشته ایران بسیار دور و ظاهراً بی‌ارتباط با دوران ما به نظر می‌رسد، با این حال آگاهی از آن، لازمه بررسی نشو و نمای فرهنگ ایران، و خودشناسی ماست.

فهرست

۱۱	 مقدمه
۲۷	 بخش اول: تاریخ و فرهنگ ایران
۲۹	 فصل اول: جغرافیای ایران
۳۱	 مقدمه
۳۲	 از شکار تا کشاورزی و دامداری
۳۵	 شکل‌پردازی باورها
۳۷	 مجسمه‌های کوچک، سفال، مهر، مفرغ لرستان
۳۸	 ساخت سفال
۴۶	 مهر
۴۸	 مفرغ لرستان
۵۵	 فصل دوم: عصر روستاها
۵۷	 مقدمه
۵۹	 روستاهای آغازین

روستاهای مقدماتی	۵۹
روستاهای میانه	۶۰
روستاهای نهایی	۶۰
آذربایجان	۶۱
ماهیدشت - زاگرس مرکزی	۶۳
منطقه کنگاور - زاگرس مرکزی	۶۴
تپه ژبان	۶۶
خرم‌آباد - زاگرس مرکزی	۷۱
کوه‌های کردستان و لرستان	۷۱
جغرافیای شوشیان و دهلران	۷۲
دهلران	۷۳
شوشیان	۷۵
دشت‌های کوهستانی فارس	۸۰
ایزه - ملامیر	۸۳
سیالک	۸۴
تپه شمالی - سیالک I	۸۵
تپه جنوبی - دوره سیالک III	۸۶
تپه حصار دامغان	۸۸
تپه یحیی	۸۹
تل ابلیس	۹۱
فصل سوم: شکل‌گیری دولت در ایران	۹۳
دوران اُروک	۹۵
مرحله انتقالی	۱۰۱
دوران ماقبل - عیلام	۱۰۳
فصل چهارم: ایران و اولین امپراطوری‌های بین‌النهرین	۱۱۳
بین‌النهرین	۱۱۵
شوش و عیلام	۱۱۸
فصل پنجم: عیلام	۱۲۱
فصل ششم: فرهنگ‌های ایران - بیرونی	۱۴۳

فرهنگ‌های ایران - بیرونی	۱۴۵
تمدن گرگان	۱۴۶
مهاجرت اقوام هندو - آریایی از ایران	۱۵۴
تمدن ترکمنستان جنوبی	۱۵۵
دلتای مرغاب	۱۵۷
تمدن باختر (باکتریا)	۱۵۷
تمدن هیرمند	۱۶۱
تمدن عمان	۱۶۲
تمدن بحرین	۱۶۳
فصل هفتم: اقوام آریایی در ایران	۱۶۵
گورستان A (سیالک V)	۱۶۷
گورستان B (سیالک VI)	۱۶۸
هنر "ماد"	۱۶۹
مهاجرت اقوام ایرانی	۱۷۱
گنجینه زبویه	۱۷۱
بخش دوم: اقوام آریایی استپ‌ها	۱۷۳
فصل ۱: نخستین فرهنگ‌های استپ‌ها	۱۷۵
خاستگاه اصلی زبان ماقبل - هندو اروپایی	۱۸۹
فصل دوم: فرهنگ‌های عصر آهن استپ‌ها	۱۹۳
سکیت	۱۹۵
ساکا	۱۹۹
سارومات - سارمات	۲۰۱
فصل سوم: فرهنگ‌های سکیت - سیبری	۲۰۳
سیبری جنوبی	۲۰۵
مغولستان	۲۰۶
فرهنگ تاگار	۲۰۸
فرهنگ "سکیت" در کوه‌های آلتای	۲۰۹
"تووا" در دوران "سکیت"	۲۱۱

بخش سوم: همسایگان.....	۲۱۵
بین‌النهرین	۲۱۷
تمدن درهٔ هند	۲۲۷
میتانی	۲۳۰
أرارتو	۲۳۲
منابع	۲۳۳
مراجع	۲۳۶

مقدمه

باستان‌شناسی، کوششی است برای یافتن علل تفاوت‌ها، همانندی‌ها، و تغییرات در داخل مناطق و بین آنها، ولی تاریخ، اغلب تحقیق وقایع است تا اعمال توضیح. گروهی از عوامل سازنده تاریخ مانند مذهب، بازرگانی، جنگ و ابداع صنایع را جامعه به‌وجود می‌آورد، و بعضی مانند امکانات طبیعی محیط یا محدودیت‌های آن، از عوامل خازجی به‌شمار می‌آیند.

محیط جغرافیایی با چشم‌اندازهای خاص آن در ترکیب شرایط زیست، روان، فکر انسان و گونه‌های هنر او مؤثر است. ایران منطقه‌ای وسیع، با رشته‌کوه‌های مرتفع، دره‌های عمیق، رودخانه‌ها و دشت‌های مسطح حاصلخیز و کویرهای گسترده است. این جغرافیای متنوع در عین وحدت، گوناگونی وسیعی به فرهنگ ایران بخشیده است که مشابه تجزیه نور در منشور، که هر یک از نورها یکی از اجزاء نور کلی است.

در یک فضای مه‌آلود، تضعیف شدت رنگ‌ها توهم فاصله بیشتر از واقعیت را بین بیننده و اشیاء به‌وجود می‌آورد. ضمناً تار شدن کناره اشیاء، حجم آن را نمایان می‌سازد. در صورتی که جو شفاف و نور شدید خورشید ایران که شکل‌ها را به‌وضوح در مقابل دید قرار می‌دهند، اشیاء را نزدیک به‌نظر می‌آورد و به‌جای حجم آنها، شکل اشیاء را تأکید می‌کند.

بررسی جریان حوادث تاریخی و عواقب آن، برای انسان که سازندهٔ حوادث تاریخی است و آن را به شکل‌های مختلف تکرار می‌کند، یادآوری آموزنده‌ای است و با در نظرگیری تغییرات جامعه، ارزیابی جدیدی از سنت‌ها را ممکن می‌سازد، و شناخت ریشه‌های فرهنگ ملی، به صورت تکیه‌گاه مستحکمی در برابر مظاهر سطحی فرهنگ‌ها و تمدن‌های بیگانه ظاهر می‌شود.

محدودیت اسناد تاریخی ایران از ادوار پیش از هخامنشی، موجب گردیده که بیشترین گزارشات دربارهٔ ایران بر مبنای اسناد بین‌النهرین — که بیشتر دربارهٔ درگیری مناطق هم‌مرز و به صورت یک‌جا بوده — در دسترس ما قرار بگیرد، لذا تصویر درست و کاملی از مسائل ایران در دست نیست. کاوش‌های باستان‌شناسی با بررسی آثار معماری و هنری که از طریق زبان فرم‌ها و شیوه‌ها انجام می‌گیرد، اطلاعات وسیعی را دربارهٔ جوامع و فراز و نشیب جریان تاریخ، واکنش جامعه در مقابل وقایع، روابط اقتصادی و فرهنگی بین مناطق، در اختیار ما می‌گذارد که تا حدی این کاستی‌ها را جبران می‌نماید.

نظر کوتاهی به هنر عصر سنگی، مسائل مربوط به هنر دوران کشاورزی و دامداری ایران را روشن‌تر می‌سازد. انعکاس باورها در هنر ماقبل تاریخ، گواهِ حیرت‌انگیز انسان در مقابل موضوعاتی مانند تولد و مرگ، حرکت خورشید و تغییرات ماه است. اقتصاد اعصار مختلف، شکار در اعصار سنگی قدیم و میانه، کشاورزی و دامداری در عصر سنگی جدید، هر یک با بار مسائل خود، در پندار انسان تأثیر گذاشته و در هنر او منعکس گردیده است. جمع‌آوری سنگ‌های زیبا در عصر سنگی قدیم، نخستین آثار شیفتگی انسان در برابر زیبایی و توازن فرم است. کنده‌کاری از تکرار منظم خطوط ساده بر روی استخوان، اولین آثار هنری انسان و مقدمهٔ هنر دکوراتیو محسوب می‌شود. اعتقاد به نیروهای فوق‌طبیعی و طلب مساعدت از آنها، جادو را در باورها راه داده و استفاده از جادو، هنر تصویری را با عامل تشبیه ناخودآگاه خود با تصویر از هنر دکوراتیو جدا ساخته است.

باور به نیروی جادو، پیشرفتی عظیم برای هنر بود و بدون آن، هنر برای هنر، در سطحی جنینی باقی می‌ماند. مجسمه‌های کوچک از زنان تنومند که نماد باروری است، نقش حیوانات در ارتباط با نیروهای حاکم به عالم حیوانات، و تصاویر انسان‌ها با نقابی از شکل حیوانات که به احتمال قوی جادوگران عصر شکار بودند، هنر عصر سنگی نهایی

می‌شود. تصاویر جادوگران جوامع شکارچی، اجرای مراسم آئینی توسط افرادی خاص در جوامع کشاورز و دامدار عصر سنگی جدید را ممکن می‌سازد. هنر بعدی متعلق به جوامع کشاورز و دامدار در رابطه با مسائل پیچیده جامعه آنهاست.

قدیمی‌ترین آثاری که از زیست انسان در ایران به دست آمده است مربوط به دوران سنگی میانه و تاریخ آن حدود صد هزار سال پیش است. این آثار که مربوط به مراحل پایانی دوران یخبندان در ایران است، اقتصادی بر مبنای شکار را نشان می‌دهد. گرایش به هوای گرم در حدود ده هزار سال ق.م. در ایران، رشد گیاهان و کشف راز کشت را امکان‌پذیر ساخت. زن‌سالاری در ایران که وراثت سلطنت از طریق نسبت شاهان به زنان خانواده بود، در دوران سلسله سوکالماح^(۱) در عیلام هزاره دوم ق.م. از شواهد کشف راز کشت توسط زنان است. مردان که به علت همزمانی تغییرات ماه با عادت ماهانه زنان، ماه را معشوق زن و عامل بارداری او تصور می‌کردند، دانش کشت را نیز به رابطه با نیروهای فوق طبیعی نسبت می‌دادند. این باورها، جامعه مردسالار شکارچیان را به جامعه‌ای زن‌سالار تبدیل کرد.

شناخت راز کشت و اهلی کردن حیوانات که تقدم یا تأخر آنها نسبت به یکدیگر مورد بحث است، دو جامعه با دو اقتصاد و فرهنگ متفاوت، یعنی کشاورزی ساکن و ایستا، و دامداری پرتحرک و متغیر را به وجود آورد.

جوامع اولیه کشاورز مانند دوران شکار، از گروهی محدود تشکیل می‌شد، اما با توسعه اقتصاد موجب شد تا خانواده‌های مستقل در جامعه‌ای دسته‌جمعی، تغییر شکل یابند. در این جامعه، مالکیت زمین و ثروت در اختیار خانواده بود و زن، مردان مختلف را به همسری می‌گرفت و از مردان برای کارهای کشاورزی و دفاع در مقابل مهاجمان استفاده می‌کرد. ریسندگی و بافندگی در دست زنان بود و نقش‌های اولیه سفال، تقلیدی از حصیربافی گردید.

مراحل مختلف کشاورزی مانند آماده‌سازی زمین، مراقبت در گردش ماه برای تعیین فصل کشت و برداشت محصول و همچنین ذخیره‌سازی مازاد محصول، سبب شد تا زندگی

۱. ر.ک: بخش پنجم - دوران "عیلام".

کشاورز بر پایهٔ نظم قرار گیرد و در اندیشهٔ او مؤثر واقع شود. مازاد محصول کشاورز، نیروهای دیگر جامعه را از تهیهٔ مواد غذایی خود، آزاد ساخت و فراغت برای پرداختن به مسائلی غیر از تغذیه، پیشرفت‌های جامعه را پایه ریخت.

کشاورزی ایران که در دوران سنگی جدید، حدود سال‌های ۸۰۰۰-۵۵۰۰ ق.م. براساس کشت دیمی بود، کشاورز را بیش از تکیه به خود و استفاده از امکانات محیط، به نیروهای مافوق طبیعی متکی ساخت و جادو را که سابقهٔ آن در نقاشی‌های شکارچیان آخرین دوران سنگی مشاهده می‌شود، وسیلهٔ یاری‌طلبی از نیروهای مساعد و تسخیر نیروهای مخرب قرار داد. انتخاب نماد برای این نیروها، ابتدا شکل‌های هندسی و سپس حیوانات و گیاهان بود. متعارف شدن نمادها، شکل رایجی به زبان آنها بخشید که افراد جامعهٔ آن‌زمان قادر به خواندن آن بودند.

جغرافیا و هوای ناهمسان ایران، روش‌های مختلفی از اقتصاد و زیست را در این سرزمین موجب شد. ساکنین دشت‌های مرتفع، کشاورزی - دامداری و زیستی براساس بیلاق - قشلاق را پیش گرفتند. اجتماعات کوچک و پراکندهٔ فلات که براساس روابط خانوادگی شکل گرفته بود، کشاورزی دیمی را انتخاب کردند و دشت‌های کم‌ارتفاع جنوب‌غربی و جنوب ایران، پس از چند هزار سال کشاورزی دیمی، به سیستم آبیاری روی آوردند. این تنوع نظام زیست، موجب گوناگونی فرهنگ ایران گردید.

باستان‌شناسان، عصر سنگی جدید را در رابطه با دوران آغاز و توسعهٔ اقتصاد کشاورزی به‌کار می‌برند. سفالی از خمیری مخلوط به کاه، مشهور به سفال نرم از ویژگی‌های این دوره است.

تعبیر این سفال به سفالی از خمیری لطیف به‌رنگ نخودی، با نقش‌هایی سیاه‌رنگ که باستان‌شناسان آن را سفال سیاه - بر - نخودی می‌نامند، نشانهٔ پایان عصر سنگی جدید و آغاز عصر مس است.

عصر مس به سه دورهٔ مقدماتی، میانه و نهایی تقسیم می‌شود. در هر یک از این دوره‌ها، مراحل از پیشرفت اقتصادی و تغییرات اجتماعی مشاهده می‌شود. در دورهٔ مقدماتی استفاده از آبیاری در کشاورزی - که موجب افزایش روستاها شد - تفاوتِ پایان دوران سنگی جدید و آغاز دوران مس است. در دورهٔ میانه، آثاری از شکل‌گیری

طبقات اجتماعی، و در دورهٔ نهایی این عصر، فاصله‌گیری از نظام خانواده و حرکت به‌سوی مقدمات نظام شهری و ابداع خط دیده می‌شود. "اف. هول"^(۱)، باستان‌شناس آمریکایی، عصر سنگی جدید و عصر مس را به‌صورت مجموعه‌ای از عصر روستا در نظر گرفته و آن را به چهار دوره از روستاهای آغازین، مقدماتی، میانه و نهایی تقسیم کرده است.^(۲) دفن اجساد در زیر منازل، اهمیت خانواده و حفظ روابط آن را در این عصر نشان می‌دهد. ساخت سکو در بعضی از روستاها، اجرای مراسم آئینی و افرادی که عهده‌دار این مراسم بودند را که یادآور اجرای مراسم توسط جادوگران در دوران شکار است، محتمل می‌سازد.

جوامع عصر روستای ایران را می‌توان به‌صورت زیر گروه‌بندی کرد: منطقهٔ اطراف دریاچه ارومیه، بلندی‌های زاگرس میانه، دشت‌های خوزستان (شامل دشت دهلران و دشت شوشیان)، منطقهٔ فارس، مراکز غربی و شمالی اطراف کویر، و منطقهٔ جنوب‌شرقی. هر یک از این مناطق، آثار روابط فرهنگی با مراکز همسایهٔ دور یا نزدیک را نشان می‌دهد.

سفال نفیس نقش‌دار "شوش I"، ساخت معبد برای رسیدگی به امور دینی و جامعه، استفاده از مهر در داد و ستدها و انبارها، کشف گورستانی با حدود دو هزار جسد که نشانهٔ نظام خانواده و آغاز همبستگی‌های اجتماعی محسوب می‌شود، شوش را در وضعیتی استثنائی بین مراکز عصر روستا قرار داده است.

سفال نقش‌دار ایران از برخورد دنیای پندارها با دنیای مرئی، به خلق دنیایی از فرم‌ها انجامید که وسیلهٔ عرضهٔ جهان‌بینی رؤیاگونهٔ جامعه کشاورزی شد. شکل نمادها که از محیط زیست الهام می‌گرفت، بازسازی طبیعت را مورد نظر نداشت. انسان که تغییرات بی‌نهایت جهان را در مقایسه با محدودیت‌های خودآشفستگی تعبیر می‌کرد، می‌کوشید با حذف عنصر فردیت در هنر، جهان را مانند خود محدود سازد و از طریق این نظم جدید، به واقعیت‌ها دست یابد. در این دوران، رواج موتیف‌های مشابه، نشانهٔ بسط باورهای همانند در مناطق مختلف ایران است.

1. F. Hole

۲. "اف. هول"، چهار دوره را به ترتیب: Initial, Early, Middle, Late نامیده است.

هوای مناسب تابستانی مراتع زاگرس، دامداران را برای بیلاق به بلندی‌های زاگرس می‌کشاند. این دامداران با عبور از موانع مشکل کوهستانی، رابط فرهنگی بین روستاهای دور از یکدیگر بودند. گورستان‌های "هولایان" و "پرچینه" در ارتفاعات زاگرس مرکزی، دور از مراکز زیست را به زمان بیلاق دامداران ماقبل تاریخ نسبت داده‌اند.



همسایگی با فرهنگ‌های مختلف و تسلط گاه‌به‌گاه اقوام و دولت‌های متجاوز، ایران را بارها در معرض فرهنگ‌های بیگانه قرار داده است. پذیرش گزیده‌هایی از این فرهنگ‌ها، پس از اصلاح و تعدیل و تطبیق با نظریات ایرانی، فرهنگ ایران را وسعت و کلتی کم‌نظیر بخشید و ایرانی را از بسیاری از تعصب‌های اقوام و ملت‌های دیگر دور نگه داشت.

افزایش جمعیت در روستای بین‌النهرین جنوبی، به‌منظور استفاده از امکانات آبیاری از رودخانه‌های منطقه، نیاز به نظام نوینی برای اداره جامعه‌ای وسیع را تسریع کرد و اولین جامعه شهری در شهر "اروک" پا گرفت. همسایگی دشت شوشیان^(۱) با بین‌النهرین و سابقه روابط دو منطقه، همچنین فاصله‌گیری شوش از فرهنگ عصر روستا، زمینه مساعدی را برای پذیرفتن تمدن شهری "اروک" و تفاوت‌هایی در شوشیان شد. ویژگی‌های این تمدن شامل: استفاده از مهر در داد و ستدها، نشانه مالکیت فردی و دوری از مالکیت جمعی، رواج مهر - استوانه با نقش‌های پاسخگوی نیاز زمان که به‌نوعی هنر گزارشگر وقایع بود، اختراع چرخه سفال برای ساخت سفالی بدون نقش و به‌صورتی صنعتی در کارگاه‌های تخصصی، ابداع اولین نمادها برای اعداد، و اختراع خط در بین‌النهرین، قلمداد می‌شود.

نظام تمدن شهری با ایجاد امکانات گسترده، موجب پیشرفت‌های اقتصادی گردید و طبقه‌ای برگزیده را به‌وجود آورد که آغاز توسعه‌طلبی سیاسی در هر دو جامعه (شوش و بین‌النهرین) را رقم زد. تصور تأثیر سحرآمیز از سنگ‌های عقیق، لاجورد و فیروزه، جوامع بین‌النهرین و جنوب‌غربی ایران را سخت مشتاق این سنگ‌ها و خواهان داد و ستد با

۱. باستان‌شناسان منطقه خوزستان، این دوران را به دو بخش "دهلران" و "دشت شوشیان" تقسیم کرده‌اند.

مناطق شمال شرقی ایران ساخته بود. جامعه شوش با تسلط به قریه "سیالک" و ایجاد پایگاهی در "گودین"، نظارت به مسیر بازرگانی شمال شرقی ایران و آسیای مرکزی را زیر نظر گرفت. کشمکش‌های داخلی مراکز شوشیان و احتمالاً وسعت بیش از حد نظارت دستگاه حاکمه در تولید امور اقتصادی، از طریق نظام بیگاری، به سقوط این تمدن انجامید. تمدن بعدی به نام "ماقبل - عیلام"، با فرهنگی مستقل از بین‌النهرین، شیرازه همبستگی مناطق مختلف در اولین دولت متشکل از مناطق جنوب غربی تا جنوب شرقی ایران شد. در جامعه جدید، گروهی برگزیده و آگاه به امور آئینی و اداری، با تطبیق خود به شرایط تازه، اداره امور را در دست گرفتند و سازمان‌های اداری دولت را با نظام نوین منطبق ساختند.

انتخاب نام "ماقبل - عیلام" برای دوره‌ای حدود ۳۲۰۰-۲۶۰۰ ق.م. به دلیل شباهت‌های فرهنگی با عیلام دوران تاریخی است که مناطق خوزستان، لرستان، کردستان، فارس و بخشی از کرمان را - بین اوایل هزاره سوم تا میانه هزاره اول ق.م. - دربرمی‌گرفت. حوزه رود "کُر" در فارس با امکانات وسیع کشاورزی و دامداری، با جاده‌های ارتباطی به شرق و غرب منطقه و داخل فلات، مکان مناسبی برای کانون رهبری عیلام شد.

تغییر سفال نقش‌دار "باکون"^(۱) به سفالی بدون نقش به نام "لاپوئی"، بدون ارتباط با تمدن "اروک"، سپس ساخت شهری وسیع به نام "مالیان" در حوزه رود "کُر"، نشانه‌های فاصله‌گیری از عصر روستا در این منطقه است. همکاری جوامع مالیان و شوش، تمدن "ماقبل - عیلام" را پایه‌گذاری می‌کند. هدف این تمدن، توسعه به طرف شرق، استقرار و سازماندهی گروه‌های پراکنده در کرمان و سیستان بود.

شکل‌های سرشار از تحرک موتیف‌های مهر- استوانه‌ها که حاکی از خلُق و خوی پُرشور اهالی فارس است و اجتناب از شکل صورت انسان و انتقال فعالیت انسان به حیطة اساطیری در این مهرها، ابداع خط "ماقبل - عیلامی A" از علایم اندیشه‌نگاری، مجرد و هندسی - که ترکیبی نیمه‌اندیشه‌نگاری در مقابل خط اندیشه‌نگاری بین‌النهرین بوده -

۱. سفال نقش‌دار متعلق عصر روستای حوزه رود "کُر".

گواه فرهنگی مستقل از بین‌النهرین است. موتیف مبارزه شیر و گاو به‌صورت نمادِ کشمکش دو جوهر وجود، نشانهٔ بسط باورهای نوین در این دوره است.

سه‌م سازندگی شوش در تمدن‌های "ماقبل - عیلام"، و عیلام را نایست از نظر دور داشت. تجربیات جامعهٔ شوش در زمینهٔ تغییرات اجتماعی و سازماندهی، همکاری شوش را در این تمدن لازم داشت. کاوش‌های گستردهٔ شوش، این شهر را مرجع بررسی‌های این دوره و ادوار عیلام قرار می‌دهد. از هم پاشیدگی تمدن "ماقبل - عیلام"، که به علل مختلفی نسبت داده شده است و بازگشت سکنة "مالیان" به زیست "ایلائی" سبب می‌شود که خط "ماقبل - عیلامی A" به‌فراموشی سپرده شود.

سقوط تمدن "ماقبل - عیلام"، تماس بازرگانان بین‌النهرین را با همسایگان شرقی و شمال‌شرقی ایران امکان‌پذیر می‌سازد و اقتصاد، مسیرهای بازرگانی را رونق می‌دهد. ایجاد کارگاه‌های تراش از مرم‌های نرم برای ظروف تجملی، در روستای یحیی در منطقهٔ کرمان و کارگاه‌های جواهرسازی در شهداد^(۱) موجب رونق اقتصادی بی‌سابقه‌ای برای منطقهٔ جنوب‌شرقی ایران می‌شود. اشارهٔ داستان‌های اساطیری "شومر" به مکانی به نام "اراتا" و اسناد دوران "آکاد"^(۲) بین‌النهرین دربارهٔ "ماراهاشی"، مکان آن را در محل شهداد کنونی تعیین می‌کند.

افزایش جمعیت بین‌النهرین و درگیری دولت‌های شهری آن با یکدیگر، مقدمهٔ تشکیل دولت واحدی به نام "آکاد" بود. تشکیل دولت‌های توسعه‌طلب در بین‌النهرین و فقدان همبستگی بین دولت‌های کوچک و مستقل در ایران، امکان تجاوز به مناطق غربی ایران و تسلط به شوش را به‌وجود آورد؛ با وجود پیروی شوش از هنر و آداب اجتماعی متداول بین‌النهرین در دوران "آکاد"، آثاری در ارتباط با فرهنگ جنوب‌شرقی ایران، از اولین شواهد فرهنگ عیلام دوران تاریخی، و گواه حفظ ارتباط شوش با مراکز خارج از تسلط "آکاد" است.

شورش‌های اقوام زاگرس مرکزی نیز موجبات تضعیف و سقوط دولت آکاد را فراهم ساخت. در فاصلهٔ سقوط این دولت و تشکیل دولت "اور سوم"^(۳) در بین‌النهرین، "پوژر

۱. شهداد، نام کنونی بخشی از شهرستان کرمان است.

۲. ر.ک: چهارم - ایران و اولین امپراطوری‌های بین‌النهرین.

۳. همان.

اینشوشیناک"^(۱) فرمانروای یکی از مراکز شوشیان به نام "اوان"، دولتی عیلامی بر پایهٔ همسانی جوامع شوش و عیلام برقرار ساخت و نهایت کوشش را برای اعتلای این دولت و فرهنگ عیلامی آن به کار برد. با مرگ او، عدم همبستگی بین جوامع عیلامی به انقراض این دولت و تسلط دولت "اور سوم" به شوش انجامید.

دخالت امپراطوری "اور سوم" در امور ایران، امیران مناطق کوهستانی را ناگزیر به نزدیکی با یکدیگر و تشکیل اتحادیه‌ای به نام "شیماشکی"^(۲) کرد. پایه‌گذاری دولت واحدی از جوامع کوهستان‌ها و شوش، آغاز حکومتی حدود هزار و هفتصد سال از دولت‌های مختلف عیلامی بود. بین تشکیل دولت "شیماشکی" تا ویرانی شوش توسط "آشور بانیپال"، تاریخ عیلام چندین فراز و نشیب سیاسی و اقتصادی، صلح و جنگ را پشت سر گذاشت. انگیزهٔ تهاجم‌های دولت‌های بین‌النهرین به عیلام، چشمداشت به منابع طبیعی مانند فلزات، سنگ‌ها و چوب برای ساختمان‌سازی بود و حملهٔ عیلام به بین‌النهرین برای تلافی، تنبیه و گرفتن غنیمت، محسوب می‌شود.

فرمانروایی طولانی سلسلهٔ سوکالماح، عیلام را در زمرهٔ وسیع‌ترین کشورهای هزارهٔ دوم ق.م. قرارداد و شاهان سلحشور "شوتروکید"^(۳)، که سلطنت آنها با حمله به بابل و اسارت شاه کاسیت^(۴) بابل آغاز شد، عصر طلایی "عیلام - میانه"^(۵) را به وجود آورد. شکست آخرین شاه "شوتروکید" از "ابوکد نصر اول" فرمانروای بابل، پایان این عصر طلایی و آغاز سراسیمگی سیاسی دولت عیلام را رقم زد. آثار مفرغی مانند مجسمهٔ ملکه "نایریشا"^(۶) و میز ویژهٔ مراسم قربانی،^(۷) از شواهد فلزکاری پیشرفته و هنرمندی فلزکاران عیلام - میانه است. احتمال می‌رود که پس از شکست عیلام از "ابوکد نصر اول"، مفرغ‌کاران عیلام که در جست‌وجوی مأوای امن‌تر بودند، لرستان را انتخاب کرده و از

۱. رک: چهارم - ایران و اولین امپراطوری‌های بین‌النهرین.

۲. لطفاً به بخش پنجم - "عیلام" رجوع شود.

۳. همان. رک: بخش نهم - "همسایگان".

۴. همان. رک: بخش پنجم - "عیلام".

۷. همان.

عوامل مؤثر پیشرفت مفرغ لرستان شده‌اند. اوج تمدن مفرغ لرستان در سده‌های هشتم و هفتم ق.م. نشاندهنده دوام سنت‌های ماقبل تاریخ در درون جامعه‌ای ایلاتی در مقابل دولت‌های قدرتمند زمان است.

علی‌رغم ملی‌گرایی شاهان "شیماشکی" و "سوکالماح"، استفاده از زبان "آکادی" در اسناد دولتی آنها ادامه می‌یابد. رواج زبان عیلامی در کتیبه‌های خاندان‌های بعدی و بنای شهر وسیع مذهبی در "چغازنبیل"^(۱)، از گردهم‌آوری خدایان مختلف مردم عیلام در یک محل، واکنشی در برابر فرهنگ بین‌النهرین قلمداد می‌شود.

انتقال مرکز ثقل تلاش برای جهانگیری، از دره‌های نیل و از بین‌النهرین به آشور، موجب مهاجرت اقوام آریایی ایرانی به فلات و تشکیل دولت‌های ماد و هخامنشی در هزاره اول ق.م. گردید که تغییرات عمیق سیاسی و فرهنگی را به‌همراه داشت. دولت‌های عیلامی، اوایل هزاره اول ق.م. با وجود ضعف سیاسی، مدتی به‌صورت حریف سرسخت، آشور بانیپال^(۲) را از شوش دور نگه داشتند، ولی او پس از درهم‌کوبیدن مراکز سیاسی عیلام، به‌منظور اعلام پایان حیات سیاسی عیلام، شرح حساب‌شده‌ای از غارت و ویرانی شوش را گزارش داد. با این حال، جامعه عیلام به‌شکل جدیدی در کوه‌های بختیاری به حیات خود ادامه داد و با حفظ استقلال خود در دوران هخامنشی و سلوکیه، تا دوران اشکانی دوام آورد.

هزاران سال نظارت دولت‌ها و معابد مصر و آسیای غربی بر فعالیت‌های هنری، هنر را وسیله بزرگداشت و تحمیل فرمانروایان قرار داد. اما مفرغ کاران لرستان، دور از دسترس نظارت دولت‌ها، باورهای کهن لرستان و عیلام و احتمالاً بعضی از باورهای اقوام آریایی را موتیف خود قرار دادند که یکی از موارد هنر مردمی دوران باستان به‌شمار می‌آید.

در زمینه شکل‌های ترکیبی، کمتر فرهنگی همپای لرستان بوده است، شکل‌پردازی مفرغ‌ها از موجودات غریب و فوران نمادها، از عمیق‌ترین لایه‌های روان انسانی را به‌نمایش

۱. ر.ک: بخش پنجم - "عیلام".

می‌گذارد. شکل‌های اکسپرسیونیست این مفرغ‌ها که ترکیبی دکوراتیو به آن داده شده، آخرین نمود هنر ایران باستان، قبل از هنر دوران هخامنشی است.



در تمدن‌های عهد عتیق، دولت‌هایی که براساس نظام دولت-شهری جامعه "شومر" سده چهارم ق.م. شکل گرفته و در نهایت بدون یک التصاق سیاسی، به امپراطوری تبدیل گردیده بودند، آستن تغییراتی عمیق و اساسی شدند. در میانه هزاره اول ق.م. اقوام آریایی ایرانی با دید وسیع سیاسی و نظریاتی نسبت به جهانداری و سازمان اداره آن، سرنوشت ملل آسیای غربی را به دست گرفته و به ستیزهای مداوم دولت‌ها، از مصر تا کناره بسفور خاتمه دادند.



مرغزارهای وسیع استپ‌های اروپا-آسیا، با چشم‌اندازهای گسترده آن که از جنگل‌های اروپای شرقی تا مغولستان و منچوری را فرا می‌گرفت، بلندپروازی، آزادمنشی و اندیشه‌های عمیق معنوی را از ویژگی‌های فرهنگ اقوام استپ‌ها ساخت. روال زیست که براساس دامداری صحرانوردی بود، آنها را از دلیری و قابلیت کم‌نظیری در رهبری و سازماندهی برخوردار نمود. افزون‌خواهی و استعداد سازماندهی مهاجرین به ایران، نقطه عطفی در تمدن فرهنگ ایران و جهان شد.

جهان‌بینی پیچیده صحرانوردان استپ‌ها، وابستگی صمیمانه آنها به طبیعت، به تعیین خدایان آریایی از نیروهای طبیعی و کنار زدن مرزهای فرهنگی از خدایان محلی انجامید. همین گونه روش، مبنای سیاست کورش به از بین برداشتن مرزهای سیاسی و تشکیل یک دولت جهانی قرار گرفت. پندارهای معنوی آریایی‌ها استپ‌ها، مبنای آئین هندویسم و بودیسم در هند، مزدایی و زرتشتی در ایران گردید. "گوردن چایلد" در بررسی از اقوام آریایی، ضمن اشاره به ظرافت و انعطاف‌پذیری زبان آریایی برای بیان اندیشه، تأکید می‌کند که «آراستگی زبان در حدی گسترده می‌تواند میزان سنجش پیشرفت خرد قرار گیرد» و مقایسه روایت سنگ‌نوشته داریوش آریایی را در کوه بیستون، با کتیبه‌های گزافه‌گو، و خودستایی‌های آشکار "آشور بانپال" و "نبوکد نصر" را پیشنهاد می‌کند.



قبل از مهاجرت اقوام آریایی به ایران، جمعیت اندک و پراکنده سرزمین پهناور ایران، تشکیل یک دولت مرکزی برای سراسر ایران را ممکن نمی‌ساخت و ایران در معرض تجاوز پیاپی دولت‌های بین‌النهرین قرار می‌گرفت. پارسیان با ایجاد دولتی مرکزی برای ایران، مقدمه تشکیل یک امپراطوری وسیع از کشورهای شرق عهد عتیق را براساس نظمی نوین از جهانداری پایه‌گذاری کردند.

نگاهی به گزارشات دولت آشور از شرح قتل‌عام انسان‌ها، ویرانی شهرها و روش غریب آن دولت از لشگرکشی‌های گاه و بی‌گاه به مناطق زیر تسلط خود — برای دریافت باج تازه و یادآوری عظمت آشور و همچنین ایجاد وحشت در دنیای آن زمان — و مقایسه این امپراطوری وحشت‌زا با شیوه فرمانروایی هخامنشیان، عمق تغییرات کورش و داریوش را روشن می‌سازد.

کورش که اساس حکومت را شناخت حقوق انسان‌ها و احترام به فرهنگ آنها می‌دانست، از ویرانی شهرها اجتناب می‌کرد و در صورت شایستگی، شاه شکست‌خورده را به فرمانروایی کشور خود می‌گماشت. الزام‌آوری تعهد بین انسان‌ها که یکی از قوانین جوامع استپ‌ها بود، مبنای تعهد بین شاه و ملت شد. شاهنشاهی هخامنشی اولین دولت باقابلیت اداره یک امپراطوری وسیع، سرمشقی برای امپراطوری‌های بعدی شد. هخامنشیان با ادغام و همگون‌سازی هنر فرهنگ‌های مختلف شرق عهد عتیق و مطابقت آنها با معنویات خود، هنری بدیع و شایسته یک شاهنشاهی وسیع را به‌وجود آوردند.

مهاجرت اقوام آریایی به ایران، آغاز دلبستگی ناگسستی آنها به سرزمین ایران شد و تاریخ ایران شاهد دفاع پیوسته آنها از فرهنگ و تمامیت مرزهای سیاسی ایران است. آمیختن آنان با اقوام دیگر ایران و فرهنگ آریایی با فرهنگ عهد عتیق ایران، هویتی واحد و متفاوت از سایر اقوام آریایی را به‌وجود آورد. مهاجرت اقوام آریایی به ایران، آنها را حلقه رابط بین فرهنگ استپ‌ها با فرهنگ ایران قدیم قرار داد که هر بررسی درباره ایران هزاره اول ق.م. به بعد را نیازمند آشنایی به تاریخ و فرهنگ اقوام آریایی استپ‌ها می‌سازد.



اقتصاد جوامع اولیه استپ‌های اروپا- آسیا براساس شکار و جمع‌آوری قرار داشت. مهاجرت گروهی از کشاورزان- دامداران دره دانوب به استپ‌ها در هزاره ششم ق.م. جوامع

غرب استپ را به کشاورزی و دامداری آشنا ساخت؛ با این حال جوامع استپ به مدت چند سده، رغبتی به تغییر روش زیست خود نشان ندادند و اولین آثار اقتصاد دامداری، مربوط به هزاره پنجم ق.م. است.

افزایش ثروت شهرهای "اورک"، کاروان‌ها را به دنبال جست‌وجوی سنگ‌ها و فلزات به‌دار مناطق دور دست فرستاد. تماس شهرهای "اورک" با منطقه شمال کوه‌های قفقاز، ثروت بسیاری را نصیب این منطقه ساخت و مبنای تغییرات اجتماعی و سیاسی، همچنین آشنایی استپ‌ها با پیشرفت‌های آسیای عتیق گردید.

هوای سرد و خشک اواخر هزاره چهارم ق.م. دامداران را راهی کاوش برای چراگاه‌های دام‌ها کرد و مرغزارهای وسیع استپ‌ها، دامداران را متوجه دامداری - صحرانوردی ساخت. اسب که در هزاره چهارم ق.م. برای سواری، اهلی شده بود، همراهی مؤثر برای توسعه دامداری - صحرانوردی شد. حرکت و زیست در فضایی باز، مقابله با دام‌ربایی، برخورد با دامداران دیگر برای تسلط به چراگاه‌ها، ضرورت تشکیل گروه و یژه‌ای از سواران را برای مقابله با درگیری‌ها به وجود آورد. تنظیم برنامه حرکت‌ها، نظارت به رابطه بین افراد گروه، انتخاب رهبر و وضع قوانین مناسب صحرانوردی و سپس تشکیل اتحادیه‌ها از گروه‌های مختلف، لازمه دوام این اقتصاد بود. مراعات دوستی، رابطه میزبان - میهمان، الزام‌آوری تعهد بین انسان‌ها و انسان با خدایان نیز قوانین این جامعه را تشکیل داد. از نتایج اجتماعی دامداری - صحرانوردی، مردسالاری و ایجاد طبقات اجتماعی بود. ایجاد اتحادیه‌ها نیز نوع نوینی از سازمان سیاسی را به وجود آورد. مراسم خاکسپاری و جشن‌ها، وسیله گردهمایی و تحکیم روابط قرار گرفت. این اقتصاد و سنت‌های آن، مبنای فرهنگی به نام "یامنا" گردید.

زیست در فضایی آزاد و در معرض عوامل طبیعی، موجب شد که خورشید، ماه و نیروهای طبیعی، خدایان آنها شود. مسائل مداوم صحرانوردی، آنها را سخت‌کوش ساخت و چشم‌اندازهای وسیع مرغزارها نیز در جهان‌بینی آنها تأثیر گذاشت.

خستگی و سردی هوا در میانه هزاره سوم، مبنای تغییر دیگری در نوع زیست جوامع استپ‌ها گردید. در این هوا، باتلاق‌ها با علوفه زمستانی و نی‌های بلند، به صورت مانعی در مقابل سرما و پناهگاه مناسبی برای دام‌ها بودند. گروهی از دامداران، با استقرار در کناره

باتلاق‌های رود "سینتاشتا"، در شرق کوه‌های "آرال"، شهر "سینتاشتا" را به شکل دژی مدور و با پشتوانهٔ خاکی به دورِ دژ چوبی و خندقی در اطراف آن، بنا کردند. این استحکامات بی‌سابقه در استپ‌ها، همراه با نوآوری در سلاح‌های دفاعی و جنگی، مانند ارابه‌های جنگی، نگرانی عمیق نسبت به امنیت را نشان می‌دهد. بین سال‌های ۲۱۰۰-۱۸۰۰ ق.م. بیش از بیست شهرک شبیه "سینتاشتا" در نزدیکی باتلاق‌های منطقه به وجود آمد. در آثار باستانی این مراکز، با شرح ترکیب گورها و سنت‌های خاکسپاری در سرودهای "ریگ‌ودا" مشاهده می‌شود.

کشفِ شهرکی از نوع "سینتاشتا" در استپ‌های "آرال" جنوبی، به نام "آرکایم"، ساخت سده‌های ۱۷-۱۶ ق.م. و مربوط به دوران قبل از جدایی اقوام هندو-ایرانی و مهاجرت آنها به هند و ایران شناخته شده است. "آرکایم"، خیال‌پردازی‌های بسیاری را برانگیخته است و عده‌ای آن را به شهر اساطیری "شاه یاما"، زادگاه زرتشت یا آرامگاه او نسبت داده‌اند.



جامعهٔ ساکن سیبری جنوبی، در دوران انتقال عصر مفرع به عصر آهن، به دامداری-صحرانوردی گرایش یافت. در آغاز عصر آهن، از همانندی‌های فرهنگ‌های استپ، فرهنگی به نام "سکیت-سپیرید" از مغولستان تا رود دانوب را فرا گرفت. کاوش‌های گورخان عظیم "ارزهان" در سیبری، محل دفن پیشوایی از اتحادیهٔ اقوام دامدار-صحرانورد سیبری، زمان آن را قدیمی‌تر از مجتمع‌های دوران "سکیت" در آسیای مرکزی تعیین کرد. بر این اساس، آسیای مرکزی و منطقهٔ شمال دریای سیاه، به ترتیب مراکز بعدی فرهنگ "سکیت" قرار گرفتند.

"سکیت"‌ها ضمن حفظ ویژگی‌های قبیله‌ای، مانند دولت‌ها، به تشکیل سپاه دست زدند، ولی با تغییری بنیادی در نحوهٔ تفکر رزمندهٔ "سکیت"، طبقه‌ای سلحشور نظیر پهلوانان اساطیری شاهنامه و رزمندگانی دلاور برای خود و عظمت قوم — متفاوت از سربازان ساده و تابع فرمانده — را به وجود آوردند.

به گزارش هرودت، "سکیت"‌ها پس از مهاجرت از آسیای مرکزی به شمال دریای سیاه، و درگیری با اقوام "کیمرین"، در تعقیب گروهی از آنها به آسیای غربی وارد شدند.

برتری سلحشوران "سکیت" نسبت به سپاهیان عهد عتیق آسیای غربی، منطقه را از امنیت محروم ساخت. پس از رانده شدن از آسیا توسط قوم "ماد"، ابتدا در شمال قفقاز و سپس در شمال دریای سیاه، مرکز فرماندهی خود را برقرار ساختند.

از ویژگی‌های مهم "سکیت"‌ها می‌توان بازتاب ایدئولوژی همسان در شکل‌پردازی از حیوانات به نام شیوه "سکیت- سبیره"، سنت قرار دادن اشیاء "سه‌گانه سکیت" در گورها و تشکیل طبقه‌ای از سلحشوران را در این قوم دامدار- صحرانورد نام برد.

گروهی از پژوهشگران، شکوفایی هنر "سکیت" را در پی تماس با هنرهای شرق می‌دانند و عده‌ای دیگر، آن را به اهمیت‌یابی سلحشوران و قهرمانان حماسی در جامعه صحرانورد مرتبط ساخته‌اند. برای انسان عصر ما، درک زمینه فکری جوامع گذشته دوردست، و پی بردن به مفاهیم نمادهای آنها، در حد حدس و گمان است و رابطه تنگاتنگی که صحرانورد "استپ" بین حیوان و شکل‌های آن می‌دید، برای ما وجود ندارد. شکل‌پردازی‌های "سکیت" از حیوانات، به منظور نمادی سحرآمیز، مجموعه‌ای از رمزها برای بیان جهان‌بینی "سکیت" است. ماهیت نمادی شکل‌پردازی از گوزن به درستی روشن نیست، از تعبیرات مختلف درباره آن: بردن وسیله برای فرد در گذشته به دنیای دیگر، یا خورشید به صورت گوزنی با شاخ‌های طلایی است.



هرودت بیان می‌کند که پارسیان، "سکیت"‌ها را "ساکا" می‌نامیدند. اولین اشاره به اقوام "ساکا" در کتیبه‌های تخت جمشید و بیستون دیده شده است. پژوهشگران کنونی "ساکاها" را منحصر به قبایل دامدار "استپ"‌های آسیای مرکزی و ترکستان شرقی در عصر آهن می‌دانند و اقوام "ماساگانه"^(۱) — که مسئولیت کشته شدن کورش به آنها نسبت داده می‌شود — طایفه‌ای از "ساکا" بوده‌اند. هرودت "ماساگانه" را قومی خورشیدپرست می‌داند. مفسرین "ریگ‌ودا"، سوزاندن جسد، استفاده از رنگ آخرا در مراسم خاکسپاری — که در بعضی از مناطق "استپ" مرسوم بوده — را با آئین خورشید- آتش مرتبط می‌دانند.

1. Massagetae.

مراحل زیست انسان براساس ابزار مورد استفاده او، به ترتیب زیر تقسیم شده است:

	Paleolithic	دوران سنگی قدیم
اقتصاد این دوره براساس شکار، ماهیگیری، جمع‌آوری بوده است.	Mesolithic	دوران سنگی میانه
این دوره در ایران، با شروع و گسترش کشاورزی حدود ۸۰۰۰ ق.م. آغاز شد و با نقاشی به‌رنگ سیاه به‌روی سفال نخودی‌رنگ پایان یافت.	Neolithic	دوران سنگی جدید
	Eneolithic یا Chalcolitic	دوران مس
		دوران مفرغ (ابزار)
		دوران آهن